

کتاب غیاثیه

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين
سپاس و ستایش خداوندی را که ذات او هیچ ذات نماند و صفات او
هیچ صفات تشبیه شوان کرد و خیال در عالم جلال او نیکند و وهم در احاطت
بعلم او هیچ نرسد و در صدف مکان نیاید و در قالب زمان نشاید و صلوات
او بر سید کونین و خواجه عالمین مکرم مجتبی محمد مصطفی باد و درود بر
یاران موافق و مخالف آن مطابق او باد اما بعد در این مدت که دعاگوی
مخلص محمود بن الیاس از واردات مشروب مری معروض میگردد اند
برزایران سدره منیع امیر کبیر فخر ذی نظام ملک ادرافشار العجم و الترمک
مظفر الانصاف و العدل بیتدر بن امیر العادل جهان خسرو توران
جر غوطایی بود آنکه جناب منیع و رکاب رفیعش قبله گاه انام صله و ملجای
ایام است و کوی مردی و جوامردی از امداد عالم و کردن کشان نبی آدم
ر بوده است اگر فصحا و بلغای عرب و عجم از سوادش مداد و اریاض روزگار

کاغذ سازند

وقوع

کاغذ سازند تا ما که و مفاخر عدل و شجاعت ابن خسرو عادل تقریر کتدر هزار یکی دواز
سپار اندکی گفته نیاید و امروز مجد الله که در عهد میمون و ایام مبارک او در حدود فارس
کوسفتد بر یاس کرک میگرد و آه بر نهیب پلنگ می سپرد اعر الله انصارها و ضایع
اقتدارها اشارت فرمود دعاگوی مخلص را و اشارت او حکم و طاعت عمیم تا کتای شمر
در طب بریان فارسی ترکیب و تالیف کند تا گاه فراغت و اشهاد فرصت بشری مطالعه
مشرف و منور میگردد اند ملتئم ابن مقرب حرار و یگانه روزگار که دعای دولت و برکافه
هنرمندان محترم و بر عاقله خلایق واجب و مندول دشتی از واجبات و در حاله
خطاب مستطاب آن سرور احرار چند بیت قریحه طامده و فطنت خانده نشا
کرد اگر چه نه لایق آنحضرت بود از عرض آن ناگزیر است و همی هنده
کلین کلار مردی و هنر توتیای دیده اهل نظر سایه حق عالم انصاف و عدل
افتخار ملک نوران سیدر نوجوان پرفکرت گزشتاش قاصر است ادراک عقل را بهر
آنکه تا یبید عدلش یافته کرک را با همیشه در ملک آب خور آنکه اندر شان او نازل شده

باب نهم	باب چهاردهم	باب نهم
در داء الفيل و دواي	در رعشه	در اختلاج
باب پنجم	باب نهم	باب شانزدهم
در شری و حصه	در ضعف بصیر	در زرد
باب ششم	باب بیستم	باب نوزدهم
در سرطان و خنازیر	در آمدن خون از بینی	در زکام و نزله
باب هفتم	باب بیست و سوم	باب بیست و دوم
در سعال زهرها و کزین جالوران	در زرد دندان	در ناخوشی بوی دهان
باب هشتم	باب بیست و ششم	باب بیست و یکم
در تبها	در سرفه	در ربو
مقاله چهارم	باب بیست و نهم	باب بیست و هشتم
در ذکر معاجین و معرفه شامل	در ذات الحجب	در سل
باب نهم	باب سی و دوم	باب سی و یکم
در قرصها	در آمدن خون از کلیه	در غشی
باب دهم	باب سی و ششم	باب سی و چهارم
در شرابها	در چیدن شکر	در غشیان
باب یازدهم	باب سی و هشتم	باب سی و هفتم
در ایاره	در قوبلخ	در هیصه
باب دوازدهم	باب چهل و یکم	باب چهل و یکم
در ضمادها	در سوء الفیله و اسهقا	در درد جگر
باب سیزدهم	باب چهل و دوم	باب چهل و دوم
در کلهها	در درد سینه	در درد کمر
باب شانزدهم	باب چهل و سوم	باب چهل و سوم
در سعوطها	در ریجهای شانه	در ریجهای شانه
باب نوزدهم	باب چهل و چهارم	باب چهل و چهارم
در سمنان	باب چهل و پنجم	باب چهل و پنجم
باب بیستم	باب چهل و ششم	باب چهل و ششم
در نطوفا	در قریس و عرق المسنا	در قریس و عرق المسنا

باب نهم	باب چهاردهم	باب نهم
در داء الفیل و دواي	در رعشه	در اختلاج
باب پنجم	باب نهم	باب شانزدهم
در شری و حصه	در ضعف بصیر	در زرد
باب ششم	باب بیستم	باب نوزدهم
در سرطان و خنازیر	در آمدن خون از بینی	در زکام و نزله
باب هفتم	باب بیست و سوم	باب بیست و دوم
در سعال زهرها و کزین جالوران	در زرد دندان	در ناخوشی بوی دهان
باب هشتم	باب بیست و ششم	باب بیست و یکم
در تبها	در سرفه	در ربو
مقاله چهارم	باب بیست و نهم	باب بیست و هشتم
در ذکر معاجین و معرفه شامل	در ذات الحجب	در سل
باب نهم	باب سی و دوم	باب سی و یکم
در قرصها	در آمدن خون از کلیه	در غشی
باب دهم	باب سی و ششم	باب سی و چهارم
در شرابها	در چیدن شکر	در غشیان
باب یازدهم	باب سی و هشتم	باب سی و هفتم
در ایاره	در قوبلخ	در هیصه
باب دوازدهم	باب چهل و یکم	باب چهل و یکم
در ضمادها	در سوء الفیله و اسهقا	در درد جگر
باب سیزدهم	باب چهل و دوم	باب چهل و دوم
در کلهها	در درد سینه	در درد کمر
باب شانزدهم	باب چهل و سوم	باب چهل و سوم
در سعوطها	در ریجهای شانه	در ریجهای شانه
باب نوزدهم	باب چهل و چهارم	باب چهل و چهارم
در سمنان	باب چهل و پنجم	باب چهل و پنجم
باب بیستم	باب چهل و ششم	باب چهل و ششم
در نطوفا	در قریس و عرق المسنا	در قریس و عرق المسنا

در سعال زهرها و کزین جالوران

در سعال زهرها و کزین جالوران

باشراب سکنجین و آب گرم باز خورد **دارویی** جوینم کوفته پست درم تخم
اسفنج روی ده درم تخم خربزه هفت درم نمک طعام سه درم کوفته بر
سر سکنجین و آب گرم بدهند **دارویی** که فی صفاوی ببندد و عشیان راساکن
کند زرشک بی دانه انار دانه ترش سماق ازهر یکی ده درم طباشیر ورق کل
سرخ پوست بیرونی پسته ازهر یک پنج درم کوفته بر سر شراب سیب یا باشراب
انار بدهند **باب نوزدهم در داروها که فی باز دارد و دارو که عرق**
عاقرقها باروغن کجند نزنند و در بدن مالند **دارویی** که عرق آورد قدری
بوره ارمنی خرد کند و در روغن با بونحل کند و در بدن مالد عرق آورد
دارویی که عرق ببندد کشیز خشک سماق برنج شسته ازهر یک ده درم
در دامن آب پیزند تا به یمن آید و صافی کتد و هر بامداد پست درم باز خورد
دارویی کل ارمنی ورق کز کوفته و پیخته کتد تا همچون غبار شود و باروغن
مورد پیامینزند و در مالند **دارویی** بدن را بر روغن مورد و روغن کل چرب کنند

۲۷
و در جایگاه چرب برک بید و برک کدو و برک سیب و برک رز و برک امرود
و برک آبی بکسترانند **دارویی** سرمه و کل ارمنی با آب رزیامینزند **باب**
بیستم در مسمنه مغاث بهمن سرخ بهمن سفید زرنبا دکتیرا خشک
سپند که با ازهر یکی سه درم بکوبند و بر روغن چرب کتد با پست کندم
دومن و یکم شکر سفید پیامینزند و هر بامداد پست درم بخورد **مسمنه**
دیگر صاحب مزاج گرم را نافع است آرد با قلامغردانه کدو ازهر یکی مقابل
بکوبند و باروغن با دام پیامینزند و هر بامداد ده درم بخورد و از عقب آن
انار بخورد **مسمنه دیگر** تخم پوست کنده پاک کرده در شیر بخوشاند شبانه
و پیرون آوردند و در سایه خشک کتد و خرد کتد و آرد با قلا وارد برنج
و آرد کندم وارد بنوماش و آرد بنوسرخ مغاث سفید خشک سفید
مغز بادام مغز دانه کدو و کعلک ازهر یکی پست درم مغز دانه خیار زره مغز
دانه خیار بالنگ مغز بادام تخم تورک کجند پوست کنده کتیرا ازهر یکی

هفت درم کوفته و پخته با یکدیگر بیا میزنند و اندکی نمک و زیره کرمانی
بان بیا میزنند و پاژده روز هر روز ده درم بخورد و از عقب آن نار ترش
و شیرین **مسئله** کثیرا بهمن سفید خشکاش سفید و سیاه مغز بادام ناخواه
از هر یکی ده درم کوفته و پخته با یکدیگر بیا میزنند و در روغن کاج و یخوشا
و در یکن پست جو بیا میزنند و هر با مباد پست درم بخورند **باب پست**
یک درم **مرهمها** **مرهم سفید** اسبیداب رصاصی چهار یکی موم صافی روغن
کنجد یک روغن باموم بکدازند و اسفیداج با آن بیا میزنند و درهاون
کشد و نرم نرم بدسته هاون بمالند و دست از مالیدن آن باز ندارند
تا اسفیداج باز بر کشند موم صافی یک رطل کندریک و قیه اشه
چهار یکی اشه در سر کدازند تا حل شود **مرهم رنگان** روغن زیت یکن
موم باروغن زیت بکدازند و باقی داروها با آن بیا میزنند و زنگار کوفته
و پخته چهار یکی اندک اندک در آن می ریزند و بمالند و از سر آتش

۹۱
فر و گیرند تا سرد شود **مرهمی** که ترکیدن لب و پینی را نافع است پیه
مرغ باروغن کل بکدازند نشاسته کثیرا ماز و اسپند از هر یک مقابل
کوفته و پخته با پیه مرغ بیا میزنند و درهاون کتد و بدسته هاون
نرم نرم بمالند تا مرهم شود **مرهم حرت الجراحتة والقروح**
صمغ سبیدیک مثقال روغن شیرین چهار مثقال زنگاری یک درم
مرد اسنک یک درم سرخ یک درم صمغ باروغن بکدازند و داروها
کوفته و پخته بر آن افشاند **مرهمی** سوختگی آتش را نافع است آهک
سوخته هفت کورت باب شیرین بشویند و باروغن زیت بیا میزنند
و استعمال کتد **مرهم لعلون** لعل بزرگ لعل خرد مر و لعل خطمی
لعل شملیز از هر یکی چهار یکی موم صافی یک و قیه روغن زیت
رطل روغن و موم با یکدیگر بکدازند و لعلها با آن جمع کتد و بر سر آتش
نهند و نرم نرم یخوشاند تا منعقد شود **باب پست دوم نطولات**

نظوي كصداع سودايي **النافع** ^{است} بنفشه ونيلوفر با بونه اكليل الملك بالنكو
سادج قرنفل جو پوست كنده نيم كوفته مقابل با يكديگر بكونند و سربان
بشويند **نظوي ديگر** كه ديوانگان را نافع است خشخاش سفيد كل سبيد
بنكوبنفته نيلوفر تراشه كدور و روباه تزوك و سپستان برك خيرو حوي
وسر بجناران فرود آورند **نظوي** كصداع سرد را نافع است با بونه اكليل
الملك شبت مرزنگوش شيخ تركي بچوشانند و سربه جناران فرود آرد
نظوي ديگر با بونه اكليل الملك تخم كرفس تخم بابونه اوليشن زيرو
كرماني مرزنگوش شبت برك سداب با يكديگر بچوشانند و سربه جناران
فرود آرد والله اعلم بالصواب **واليه المرجع المآب** وقد انفق الفراغ
من تحري هذه النسخة النفيسة والعمدة الشريفة في شهر رمضان المبارك
سنة ثمان الف عن الهجرة النبوية عليه الصلوة والسلام علي بيد العبد
الضعيف اقل عباد الله ابو اسحق بن ناصر الدين غازي اصح الله حاله و ^{غفله}